



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۰۹ اگست ۲۰۲۱

میر عبدالرحیم عزیز

لاف و پتاق کریمین در افغانستان

نویسنده: Stephen Blank

ترجمه: میر عبدالرحیم عزیز

ارزیابی دقیق مواضع عمومی دولت روسیه در مورد تصرف قریب الوقوع افغانستان توسط طالبان، تصویری آشکار از روش مسکو در قبال منازعات خارج از کشور و رفتارش را در آسیای مرکزی به طور خاص ارائه می دهد. در حالیکه از شکست و اشننگتن در افغانستان لذت می برد (TASS ، ۱۶، ۲۱ جولای) و از طرح ناقص عقب نشینی امریکا از افغانستان انتقاد می نماید، روسیه همچنین مفکوره اجازه دسترسی نیروهای امریکائی به مراکز روسی در آسیای مرکزی را زیر بحث گرفته، اما موقف انتقادی خود را تکذیب می نماید (Mid.ru ، ۲۱ جولای). در حین وقت، مسکو فشارهایی را بر دول آسیای مرکزی وارد کرده است تا از میزبانی قوای امریکائی در کشورهای خود دوری جویند (Mid.ru ، ۱۶ ژوئیه). معهذ این نوع غر زدن و به پهلوان پنبه خود نمائی کردن نگرانی های عمیق تر روسیه را در مورد وخامت اوضاع امنیتی در افغانستان پنهان می کند.

در پاسخ به افزایش علائم نگرانی بالاخص در تاجیکستان (نگاه کنید به EDM ، ۱۳ جولای)، روسیه به طالبان و گروه های وابسته به آن در مورد گسترش تروریسم (و مواد مخدر) در آسیای مرکزی هشدار داده و مانورهای نظامی مشترک خود را در آنجا افزایش بخشیده (اخبار کاسپین ، جولای ۲۳ ؛ خبرگزاری آناتولی ، ۲۷ جولای) و با صدای بلند آمادگی سازمان پیمان امنیت جمعی به رهبری مسکو (CSTO) را برای کمک به دفاع از هر عضوی که توسط طالبان یا دیگر شبه نظامیان تهدید می شود، اعلام کرد. در سال ۲۰۱۹، رئیس خدمات امنیتی فدرال روسیه (FSB)،

الکساندر بورتینیکوف، هشدار داد که ۵۰۰۰ جنگجویان داعش به شمال افغانستان آمده اند، اگرچه در آن زمان اکثر سرویس های اطلاعاتی خارجی این ادعاها را به عنوان مبالغه بیش از حد رد کردند (راديو آزادی ، مه ۲۱ ، ۲۰۱۹).

علیرغم این نگرانی های ظاهری، مسکو در حین وقت بر توافق تقسیم قدرت بین طالبان و دولت کابل تاکید میوززد. روسیه از سال ۲۰۱۳ به طالبان اسلحه داده و مسائل استخباراتی را با آنها شریک ساخته است (Ifri.org ، ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۸). روسیه همچنان اظهار میدارد که می خواهد به اعضای "تروئیکای گسترده" - روسیه، چین، ایالات متحده و پاکستان - اجازه دهد تا در چارچوب سازمان همکاری افغانستان - شانگهای (SCO) برای مذاکره در مورد حل و فصل بحران افغانستان مذاکره کنند (Mid.ru ، ۱۶ جولای). روسیه با دعوت از طالبان، تماس خود را با آنها حفظ کرده است (TASS ، ۸ جولای). سرگئی لاوروف، وزیر خارجه اظهار داشته است که هیچ توافق جدیدی در مورد افغانستان لازم نیست و طالبان و دولت افغانستان در کابل باید از توافقنامه ها و ابزارهای موجود برای حل و فصل موضوع جنگ استفاده کنند (TASS ، ۱۶ جولای ۲۱ ، ۲۱). علاوه بر این ، دیپلمات ارشد روسیه تاکید کرد که راه حل افغانستان باید شامل همه عناصر سیاسی و مردم افغانستان باشد (Mid.ru ، ۱۶ جولای).

ارزیابی این پیشنهادات با توجه به واقعیت های موجود - که در آن نه طالبان و نه دولت کابل آمادگی مذاکره با یکدیگر را دارند - نشان می دهد که فعالیت تصنعی شدید روسیه صرف یک نوع فریاد و خشمی است که این کشور برای پنهان کردن اهداف واقعی خود آن را طراحی کرده است. اول اینکه، مسکو قصد اعزام نیروهای خود به افغانستان را ندارد. ثانیاً، دیپلمات های روسیه ادعا کرده اند که طالبان دیگر علاقه ای به حمایت از تروریسم در خارج از سرحدات افغانستان ندارند. ثالثاً، حتی در حالیکه روسیه طالبان را به مسکو دعوت می کند، در مورد فروش سلاح به دولت فعلی افغانستان صحبت می نماید.

اما هدف واقعی روسیه این است که وضعیت افغانستان به طور موثر چنین باقی بماند. در حالیکه تهدید گسترش تروریسم به آسیای مرکزی ممکن است واقعی باشد، اما مدت ها است که برای اهداف سیاسی روسیه و رژیم های آسیای مرکزی بیش از حد مورد توجه قرار گرفته است (EDM ، ۲۲ اکتبر ۲۰۱۵ و ۲۴ مه ۲۰۱۸ ؛ نگاه کنید به نظارت بر تروریسم، ۲۰ مارچ، ۲۰۱۵) که میتواند

هنوز هم همینطور باشد. گفته میشود که در عقب این همه فعالیت های جنون آمیز، چندین هدف پنهان شده است که مسکو جرأت نمی کند آنها را اعلام نماید. بدیهی است که تهدید تروریسم تا اندازه ای همانند قاچاق مواد مخدر واقعی است - حتی اگر چه که تا حدی به دلیل مشارکت نیروهای فاسد امنیتی روسیه از جمله افسران و دولت های مانند تاجیکستان باشد (Rand.org ، اکتبر ۲۰۰۹). نکته مهمتر: فعالیت های روسیه در اینجا کاملاً با تمایلات مسکو در سایر درگیری ها مطابقت دارد، جاییکه این کشور به دنبال داوری و در نتیجه فریب دادن همه طرفهای متخاصم است که به موجب آن از طریق فروش سلاح به همه افراد درگیر در جنگ سود میبرد (EDM ، ۲۹ اپریل را ببینید. ، ۲۰۱۱ و ۲۶ جنوری ۲۰۱۷ ؛ به Jamestown.org ، ۲۰ نومبر ۲۰۱۸ ؛ Marshallcenter.org ، جون ۲۰۲۰ مراجعه کنید).

علاوه بر این، مسکو مصمم است تا بر هر گونه حکومت آینده در افغانستان، اعم از اشرف غنی، رئیس جمهور، طالبان یا شخص دیگر، یک وسیله نفوذ سیاسی داشته باشد. تا زمانی که جنگ - همراه با تهدیدهای مرتبط با تروریسم، افراط گرایی و قاچاق مواد مخدر - محلی باقی بماند، جنگ های حل نشده در افغانستان به خوبی به اهداف مسکو خدمت می کند.

سرانجام، روسیه هیچ تمایلی به دفاع از آسیای مرکزی در برابر تروریسم و جنگجویان گوریلائی با توجه به مصارف و مدت زمان چنین جنگ ها ندارد. اما به هر قیمتی که شده موقعیت خود را باید به عنوان مدافع اصلی منطقه حفظ کند تا قدرت عظیم و موقعیت جدید امپراتوری خود را در آنجا تثبیت نماید. پیشنهاد آزمایشی روسیه به ایالات متحده برای دسترسی به پایگاه های خود نشان می دهد که هنوز منطقه را به نوعی متعلق به خود میدانند و نه مجموعه ای از کشورهای کاملاً مستقل. تمرینات مشترک و لفاظی پر سر و صدا در مورد پایبندی به تعهدات خود از طریق CSTO - (EDM ، ۲۸ جون ۲۰۱۰ ، ۲۹ نومبر ۲۰۱۸ ، ۱۹ می ۲۰۲۱ ، جولای ۱۹ ، ۲۰۲۱ را ببینید) - بسیار چشمگیر به نظر میرسد، اما در واقع ترس مسکو از عمل به تعهدات را پنهان می کند. این سازمانی است که سابقه آن بیشتر از نقض ضمانت های امنیتی حرف میزند، تا خدمت برای اعضای آن. اگر طالبان یا نیروهای زیر چتر آن بتوانند به آسیای مرکزی منتقل شوند و شورشی طولانی مدت را در آنجا آغاز کنند (به عنوان مثال در تاجیکستان)، این برای روسیه یک کابوس است. از اینرو، در حالیکه سیاست های روسیه در مورد افغانستان از نظر ظاهری با عملکرد معمول آن در

منازعات خارجی مطابقت دارد، بالاخص که منافع اش در خطر باشد، در حقیقت مسکو در اینجا لاف و گزاف خود را تبارز میدهد.

البته باید دید که آیا کسی آن را لاف می نامد یا خیر. در این ضمن، کشورهای آسیای مرکزی از تعهدات ظاهری دفاعی روسیه سود می برند زیرا بار نظامی خودشان کاهش می یابد. اما اگر آنها مجبور شوند برابر تجاوزات تندروان اسلامی رو برو مقابله نمایند، یک روسیه ای که از نظر اقتصادی راکد است مجبور میشود با وجود گیر ماندن در اوکراین، سوریه و غیره جا های دیگر، به خواست های امپراتوری خود عمل نماید. همانطور که تاریخ روسیه نشان می دهد، چنین شرایط متخاصم برای رژیم مفیدیت نخواهد داشت.